

همچنین ادعای وال استریت ژورنال مبنی بر کاهش غنی‌سازی از سوی ایران، این سوال مطرح است که آیا سایر توافقاتی که در جریان مذاکرات عمان صورت گرفته بود نیز عملیاتی خواهد شد و آیا می‌توان این توافق را پیش‌درآمد و احتمال آن دانست که دو طرف آماده بازگشت به میز مذاکره برای ادامه روند احیای برجام هستند و به بیان صریح‌تر آیا دیپلماسی همچنان برای مشکلات ایران و ایالات متحده راهگشاست درحالی‌که در همین مقطع نیز بسیاری از جنگ‌طلبان آمریکایی کاخ سفید را به علت این تفاهم با ایران مورد سرزنش قرار داده‌اند.

نگاه کارشناس

ساسان کریمی مدرس دانشگاه تهران در گفتگو با هممیهن:

از احیای برجام دور هستیم

ساسان کریمی، مدرس مطالعات جهان دانشگاه تهران در گفتگو با هممیهن میگوید انتقال پنج زندانی ایرانی-آمریکایی به خارج از زندان بیشتر وجه نمادین و اعتمادساز دارد و برای نشان دادن اراده سیاسی طرف ایرانی انجام شده است. این استاد دانشگاه معتقد است، دولت بایدن تا آنجایی که فکر کند به نفع دولت و کشورش است و به‌خصوص در انتخابات به کار می‌آید، در مذاکره با ایران پیش خواهد آمد. کریمی تأکید دارد که پروژه امنیتی‌سازی ایران به‌خصوص به بهانه برنامه هسته‌ای همچنان پیش می‌رود. این تحلیلگر سیاست خارجی همچنین فاصله تا احیای برجام را بسیار زیاد می‌داند. کریمی همچنین معتقد است ایران موقعیت اوایل دولت بایدن را هدر داده است و امروز شرایط آمریکا و جهان به‌نحوی دگرگون است که احیای برجام و به‌رهمندی ما از رفع تحریم‌ها دور مینماید.

درحالی‌که اخبار به نقل از منابع آگاه حاکی از این بود که ایران و آمریکا در اجرایی کردن توافقات صورت‌گرفته در عمان میان باقری و مک‌گورک به اختلاف خورده‌اند، روز پنجشنبه خبری مبنی بر خروج زندانیان ایرانی-آمریکایی از اوین بر روی خروجی رسانه‌ها قرار گرفت و پس از آن مسئله آزادسازی اموال بلوکه‌شده ایران در کره مطرح شد. آیا این تحول جدید حاکی از عملیاتی شدن کلیه مفاد تفاهم شفاهی است که در مسقط دو طرف بر روی آن به اجماع رسیدند؟

در توافقات میان دولت‌ها به‌خصوص وقتی که توافق احتمالاً نانوخته و غیررسمی است تا وقتی همه چیز انجام نشده است نمیتوان به‌طور قطع از انجام امور مطمئن بود. چراکه اساساً محیط بین‌المللی متصف به اقتدارگریزی است و از همین رو حتی توافقات نوشته شده نیز تضمین اجرایی خاصی به جز منافع متقابل ندارند. به طریق اولی توافقات غیرمکتوب و غیرعلنی نیز همینطور هستند. بنابراین انتقال افراد موردنظر از زندان به خارج از آن هم بیشتر وجه نمادین و اعتمادساز دارد و برای نشان دادن اراده سیاسی طرف ایرانی انجام شده است

وگرنه افراد در بیرون از زندان هم تحت‌الحفظ هستند و تفاوت ماهوی در موقعیت واقعی‌شان به وجود نیامده است. همچنین در موضوع انتقال منابع مالی ایران از کره‌جنوبی نیز همینطور است. هنوز نمیتوان کاملاً از سرنوشت اجرایی شدن این تفاهم اطمینان داشت ولی منافع طرفین علی‌الظاهر اقتضا میکند که احتمالاً این دو موضوع به نتیجه برسند.

روزنامه وال استریت ژورنال روز شنبه از کاهش چشمگیر روند غنی‌سازی ۶۰ درصد در ایران خبر داد؛ با توجه به اینکه ایران در حال مذاکره با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و از سوی دیگر براساس آنچه در رسانهها عنوان شد، این موضوع در تفاهم شفاهی ایران و ایالات متحده هم مطرح بوده، چنین موضوعی میتواند مرتبط با کدامیک از مذاکرات باشد که جان کربی، هماهنگکننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید از تایید آن خودداری کرده است؟

این موارد نوعاً بین آژانس و سازمان انرژی اتمی به‌عنوان طرف ایرانی هماهنگ میشوند. ما خبر از صدق و کذب این موضوع نداریم ولی تحلیل من این است که ایران اولاً به اندازه نیاز و بعد هم برای تثبیت موضع خود اورانیوم ۶۰ درصد تولید کرده است. بنابراین به‌خصوص در آستانه نشست عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است توافقات غیررسمی فی‌مابین وجود داشته باشد که از فشارهای بیشتر در این زمینه جلوگیری شود که البته اگر اینطور باشد دور از خرد سیاسی هم نیست. گویی که مطالب روزنامه وال استریت ژورنال در برخی موارد پیرامون موضوع هسته‌ای ایران مقارن واقع نبوده است.

از پیش مشخص بود که هرگونه توافق میان ایران و آمریکا حتی در پایینترین سطح ممکن، جنگ‌طلبان آمریکایی را علیه کاخ سفید خواهد شوراند. از سوی دیگر نیز تا این لحظه، جو بایدن تنها رئیس‌جمهوری است که نتوانسته در دوران کارپاش هیچ زندانی آمریکایی را آزاد کند. رئیس‌جمهور آمریکا چگونه این وضعیت را مدیریت خواهد کرد؟

اولین پاسخ این پرسش همین است که تفاهمی که در موردش در روزهای اخیر می‌شنویم به همین علت به دست آمده است. دولت بایدن برای انتخابات خود را تجهیز میکند. البته در روابط بین کشورها اساساً در همین بزنگاه‌هاست که شما میتوانید تفاهمی را انجام دهید. چون همانطور که گفتم الزام اصلی دولت‌ها منافع است. البته هر امتیاز جزئی هم که در هر موضوعی دولت ایالات متحده به ایران بدهد از نظر مخالفین گراف و باخت بزرگ و از نظر خود آن دولت برد بی‌همناست. در ایران هم همینطور است. در واقع هر کنشگر سیاسی، شامل دولت‌ها، احزاب و افراد دو زبان دارند: زبان داخلی و زبان خارجی. در معادلات داخلی هیچ تفاوت نمیکند شما به چه کیفیتی توافق کرده باشید. توسط جناح رقیب تحت فشار قرار خواهید گرفت و متهم به وادادگی و امتیازهای زیاد دادن خواهید بود. دولت بایدن برای ورود به انتخابات خود را آماده میکند و به همین علت تفاهمی با چنین کیفیتی که برایش در افکار عمومی آمریکا سربلندی می‌آورد، انجام شده است. به مواضع جنگ‌طلبها نمیتوان توجه کرد چون آنها هر چیزی کمتر از جنگ و فشار را بر ایران آسان‌گیری قلمداد میکنند و گهگاه حتی تحریم‌ها را هم ناکافی میدانند و البته گاهی دوستان ما در داخل مواضع این جنگ‌طلبان را در مورد کم‌اثر بودن تحریم‌ها تعبیر به خیر میکنند ولی واقع امر آن است که منظور آنها از کم‌اثر بودن تحریم یا بد بودن توافق تشویق به اقدام نظامی علیه ایران است. آنها همیشه هستند ولی نباید آنها را معیار قرار داد. آقای بایدن هم به نظرم کار خود را میکند و چندان در دام آن رقبا نیافتد. دولت بایدن تا آنجایی که فکر کند به نفع دولت و کشورش است و به‌خصوص در انتخابات به کار می‌آید، پیش می‌رود و نه بیشتر.

درحالی‌که شاهد عملیاتی شدن بخشی از تفاهم شفاهی ایران و آمریکا برای مدیریت وضع موجود و کنترل تنش هستیم، ایالات متحده ۳ هزار تنگدار را برای آنچه امنیت کشتیرانی خوانده میشود به خلیج فارس گسیل کرده که یادآور جنگ نفتکشها در جریان جنگ ایران و عراق است. این اقدامات چگونه تفسیر میشود؟

من این اعزام نیروها را که همواره وجود داشته است متوجه امر مشخصی در معادلات ایران نمیدانم. آمریکا حضورش را در منطقه به‌رغم همه حرف‌ها تا این لحظه به مقدار زیادی حفظ کرده است و اعزام نیرو هم همین معنا را دارد. لاقلاً در دولت بایدن این امر معنای زیادی را درباره ایران افاده نمیکند. پروژه امنیتی‌سازی ایران به‌خصوص به بهانه برنامه هسته‌ای همچنان پیش میرود ولی دولتهای دموکرات به‌خصوص اوباما و بایدن توان اجماع‌سازی و هنجارسازی‌شان در همراهی با شرکای اروپایی‌شان کارکرد بیشتری از اقدامات نظامی دارد.

اگر اخبار تاییدنشده رسانهها مبنی بر آنکه تبادل زندانیان و آزادی پوله‌های بلوکه‌شده ایران در چارچوب بند دوم از سه بند توافق‌شده میان تهران و واشنگتن است، صحت داشته باشد؛ بند سوم این تفاهم شفاهی ایجاد زمینهای لازم برای بازگشت به مذاکرات احیای برجام خواهد بود. با توجه به جو حاضر در ایران و آمریکا، موضوع بندهای برجام مرتبط با غروب که در اکتبر امسال و دو سال آینده خواهد بود و انتخاباتهای ریاست‌جمهوری آمریکا و پس از آن ایران، آیا اساساً مجال چه از بُعد زمان و چه اراده برای احیای برجام باقی مانده است؟

من فاصله را تا احیای برجام بسیار زیاد میبینم. لاقلاً تا پیش از انتخابات آمریکا نه بایدن آماده ورود به این موضوع است و نه ایران از سرنوشت آن مطمئن. اما غروبهای برجام برای ما از هر چیز دیگر در این موضوع مهم‌تر است. چراکه به‌خصوص غروب سال ۲۰۲۵ که قطعنامه‌های شش‌گانه را برای همیشه تمام میکند و امکان برگشت آنها را از بین میبرد بسیار در خنثی کردن موضوع امنیتی‌سازی ایران مؤثر است. بنابراین ما باید آنقدر کج‌دار و مریز جلو برویم که به آن خللی وارد نشود. این موضوع ارزش هزینه دادن را دارد. در واقع امروز مشخص شده است که برجام و تمام بندهای آن به‌خصوص موضوع اسنپ‌بک آنقدر ماهرانه طراحی و طبع شده است که با تمام ضربیهایی که ایالات متحده به آن زد و همچنین اقدامات جبرانی که ایران انجام داد، همچنان ساختار خود را حفظ کرده و عملاً کشورهای اروپایی را برای فعال کردن اسنپ‌بک تحت آنچنان فشار سیاسی قرار داده که تا این لحظه این امر ممکن نشده است. ضمن آنکه غروبهای برجام که با تمام این اتفاقات تا امروز انجام شده‌اند طراحی بسیار ماهرانه داشته است.

ما از احیای برجام دور هستیم و به‌خصوص دولت ایالات متحده آمادگی این کار را ندارد. واقع امر آن است که موقعیت اوایل دولت بایدن را هدر داده‌ایم و امروز شرایط آمریکا و جهان به نحوی دگرگون است که احیای برجام و بهره‌مندی ما از رفع تحریم‌ها دور مینماید. این هزینه فرصت در فروش نفت و غیره و تبادلات مختلف تجاری، صنعتی، علمی و سرمایه‌گذاری که به ما تحمیل شد سر به فلک میکشد. ما جنبه‌های سرفرازانه‌ی متعددی در مقاوت‌مان داشته‌ایم ولی ضمناً اشتباهات بسیار معنادار و غیرضروری هم به‌خصوص در ادراک و محاسبات خود داشته‌ایم و این گرچه منحصر به موضوع هسته‌ای و در رابطه با آمریکا نیست ولی شاید پرهزینه‌ترین آنها این دو هستند. نباید در محاسبات‌مان مرتباً برای خود دست بزنیم. باید به هزینه‌هایی که میتوانستیم از آنها جلوگیری کنیم هم فکر میکردیم. تا وقتی که تاریخ و سابقه‌مان را با روش بازتابی نخوانیم محکوم به تکرار آن خواهیم بود.